irannewspaper.ir

دوشنبه • ۵ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۰۸۴
• اذان ظهر ۱۲/۱۱ • اذان مغرب ۱۹/۳۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۰۳/۳۱ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۹

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام جواد (ع):
هر که به غیر خدا رو کند، خداوند او را به همان واگذارد.

الدرّة الباهرة: ۳۹

پیام تسلیت سیدمحمد خاتمی به مناسبت درگذشت اکبر عبدی

رئیس‌دولت‌های هفتم و هشتم با صدور پیامی درگذشت اکبر عبدی، بازیگر سینما و تلویزیون را تسلیت گفت. متن پیام تسلیت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی به شرح زیر است:
«اکبر عبدی هنرمندی توانا، برخاسته از متن مردم کوچه و بازار و مباهات‌کننده به این خاستگاه و وابستگی؛ عزیزی که دل در گرو سربلندی ایران عزیز و سرافرازی ایرانی داشت. عبدی انسان دردمند و دردآشنایی که لحظه‌ای از خنداندن مردم غم زده غافل نماند؛ تا رسالت خود را در نشاندن نیش خند به تبعیض و تهدید و تحقیر مردم و نوش خند به زندگی و زیبایی بر لبان مردم به انجام رساند. درگذشت او را به جامعه هنری و فرهنگی کشور بویژه به خاندان محترم او تسلیت می‌گویم. یادش گرامی و روانش شاد باد»

یادداشت خالق «آدم برفی» در سوگ اکبر عبدی

داوود میرباقری: جای خالی اکبر عبدی به حسرتی بزرگ بدل شد

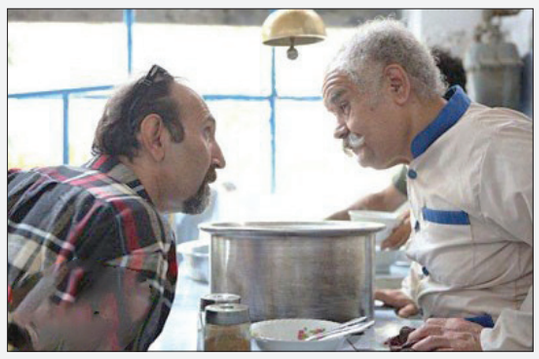

داوود میرباقری، کارگردانی که در چند مقطع مهم از کارنامه اکبر عبدی با او همکاری کرده بود، در یادداشتی از فقدان این بازیگر نوشت و از حسرتی گفت که با ناتمام ماندن یک همکاری تازه برایش باقی مانده است. میرباقری و عبدی پیش از این در آثاری چون «امام علی(ع)»، «آدم برفی»، «معصومیت از دست‌رفته» و «شاهگوش» کنار هم کار کرده بودند؛ همکاری‌هایی که هر بار وجهی تازه از توان بازیگری عبدی را آشکار می‌کرد.
او در این یادداشت تأکید کرده که قرار بوده پنجمین همکاری مشترکشان در سریال «سلمان فارسی» رقم بخورد؛ پروژه‌ای عظیم به نویسندگی و کارگردانی میرباقری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری که به زندگی و زمانه سلمان فارسی در سه فصل ایران ساسانی، بیزانس و حجاز صدر اسلام می‌پردازد و فیلمبرداری آن از اواخر آذر ۱۳۹۸ آغاز شده است.
میرباقری در سوگ‌نامه خود، اکبر عبدی را هنرمندی خلاق، متفکر و تکرارناشدنی توصیف کرده و از جای خالی او، هم در آینده این سریال و هم در هنر ایران، به عنوان فقدانی بزرگ یاد کرده است.
متن پیش‌رو، یادداشت این کارگردان برای درگذشت اکبر عبدی است.

«بسم‌الله الرحمن الرحیم»
إنا لله و إنا إلیه راجعون
با نهایت تأثر و تأسف، خیلی زود یکی از دردانه‌های هنر ایران را از دست دادیم.
اکبر عبدی عزیز، نه فقط یک دوست، یک همراه، نه فقط یک بازیگر، بلکه هنرمندی بود که با نبوغش نقش می‌آفرید، هنرمندی که بر خلاف ظاهری بی‌پیرایه و مواجهه ساده‌اش با مخاطبان، بازیگری کار بلد، خلاق و متفکر بود و هنر بازیگری برایش اهمیت زیادی داشت.
قول و قرارمان این بود، در پس سال‌ها همراهی، پنجمین همکاری مشترکمان بعد از «امام علی(ع)»، «آدم برفی»، «معصومیت از دست‌رفته» و «شاهگوش»، «سلمان فارسی» باشد و در فصل حجاز به این کاروان بپیوندد و دوباره همسفر شویم. میدانی برایش تدارک دیده بودم که تمام نبوغش را به نمایش بگذارد. نیمه پنهانی از خلاقیت و توانایی که هرگز کسی ندیده بود و نمی‌شناخت. شوربختانه نشد.
سرعت کاروان سلمان به شتاب جهان هستی نرسید؛ اکبر عبدی، ابدی شد و زخمی بر دل و جانم گذاشت و جای خالی‌اش در مقابل دیدگانم و آینده سلمان به حسرتی بزرگ بدل گشت.
یقین دارم سینما، تلویزیون و حتی بیشتر، هنر این مرز و بوم صدای رسای هنر را از دست داد، زایش و رویش چنین مرد شریفی، تکرار ناشدنی‌ست.
این فقدان مصیبت‌بار را به خانواده مرحوم عبدی بویژه همسر صبورشان، دوستان و هنرمندان تسلیت عرض کرده و برای آن هنرمند بی‌بدیل و بی‌جانشین، آمرزش و آرامش ابدی مسألت دارم.
با احترام
سید داوود میرباقری

گزارش «ایران» از مراسم تشییع زنده‌یاد اکبر عبدی

گریه‌های تلخ برای آقای خنده

گزارش

گروه فرهنگی

صبح یکشنبه چهارم مردادماه، محوطه پهنه رودکی و تالار وحدت میزبان آیین تشییع پیکر زنده‌یاد اکبر عبدی بود؛ بازیگری که بیش از چهار دهه حضور مستمر در سینما، تلویزیون و تئاتر، او را به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های هنر ایران تبدیل کرده بود. خانواده، هنرمندان، مدیران فرهنگی و صدها نفر از دوستداران این هنرمند در مراسمی که با نوای «لااله‌الاالله» و تشویق‌های ممتد مردم همراه بود، آخرین بدرقه را برای او رقم زدند.
مراسم ساعت ۹:۱۵ با اجرای محمد سلوکی آغاز شد. او در ابتدای برنامه با تسلیت به خانواده عبدی، از پیوند عاطفی مردم با این بازیگر سخن گفت و تأکید کرد که اکبر عبدی تنها متعلق به خانواده خود نبود، بلکه سال‌ها عضوی از خانواده میلیون‌ها ایرانی محسوب می‌شد.
سلوکی با استناد به بیت معروف سعدی از ماندگاری نام و یاد این هنرمند سخن گفت و افزود که آخرین حضور او نیز همچون سال‌های فعالیتش در میان مردم رقم خورده است.

> تشویق ممتد حاضران در لحظه بدرقه، پایانی بر مراسمی بود که بیش از هر چیز، قدردانی از هنرمندی را به تصویر کشید که دهه‌ها با هنر خود، خنده و خاطره را به زندگی ایرانیان هدیه کرد

بدرقه‌ای با حضور اهالی فرهنگ و هنر

پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم و آغاز رسمی مراسم، حاضران با تشویق‌های پیاپی یاد این بازیگر را گرامی داشتند؛ تشویق‌هایی که در طول مراسم بارها تکرار و به نمادی از قدردانی مردم از سال‌ها فعالیت هنری او تبدیل شد.
در این آیین، جمع زیادی از هنرمندان و مدیران فرهنگی از جمله همایون اسعدیان، محمدمهدی عسگرپور، رضا عطاران، رضا کیانیان، امین حیایی، ایرج طهماسب، حمید جبلی، فرهاد اصلانی، ژاله صامتی، بهرام افشاری، مجید مظفری، عبدالله اسکندری، مسعود جعفری جوزانی، علیرضا خمسه، مسعود ده‌نمکی و جمعی دیگر از هنرمندان حضور داشتند.

«عمو اکبر» در قاب خاطره‌ها

نخستین سخنران مراسم، همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما بود. او با مرور خاطره‌ای از اولین حضور اکبر عبدی در تلویزیون گفت: «این بازیگر خیلی زود از قاب تلویزیون وارد زندگی مردم شد و به «عمو اکبر» نسل‌های مختلف تبدیل شد.» اسعدیان خطاب به خانواده عبدی تأکید کرد که آثار این هنرمند برای سال‌های طولانی در حافظه تصویری مردم باقی خواهد ماند و نسل‌های آینده نیز او را خواهند شناخت.
در ادامه، پیام رئیس جمهوری و همچنین پیام انجمن بازیگران خانه سینما قرائت شد. در بخشی از پیام انجمن بازیگران، اکبر عبدی از معدود بازیگران خلاق و تأثیرگذار تاریخ سینمای ایران معرفی شد که توانست با تنوع نقش‌ها و توانایی کم‌نظیر خود، جایگاهی ماندگار در هنر کشور به دست آورد.

روایت همکاران از هنرمندی مردم‌دار

مینا جعفرزاده، بازیگر پیشکسوت، در سخنانی آمیخته با اندوه، از سال‌ها دوستی و همکاری با اکبر عبدی یاد کرد. او گفت: «هرگز تصور نمی‌کرد در چنین روزی درباره این هنرمند سخن بگوید و افزود که عبدی برای او حکم فرزند را داشت.» جعفرزاده همچنین با اشاره به وفاداری و همراهی این بازیگر در روزهای سخت بیماری همسرش، از ویژگی‌های انسانی او سخن گفت.
عبدالله اسکندری، گریمور باسابقه سینمای ایران نیز با اشاره به بیش از دو دهه همکاری با اکبر عبدی، او را هنرمندی توصیف کرد که هم در حرفه خود کم‌نظیر بود و هم در زندگی شخصی، خانواده را در اولویت قرار می‌داد. او گفت: «فقدان عبدی برای همکارانش تنها از دست دادن یک بازیگر نیست، بلکه وداع با دوستی صمیمی و انسانی شریف است.»

به من تسلیت نگویید به سینمای ایران تسلیت بگویید

از تأثیرگذارترین بخش‌های مراسم، سخنان المیرا عبدی، دختر این بازیگر بود. او با اشاره به روزهای پایانی زندگی پدرش گفت: «سه ماه بود که بابا به سختی نفس می‌کشید، اما حتی نتوانستیم بخشی از محبت‌هایش را جبران کنیم.» وی با بیان اینکه «دیگر کسی مثل بابا نمی‌آید»، تأکید کرد که فقدان اکبر عبدی تنها داغ خانواده نیست، بلکه ضایعه‌ای برای سینمای ایران به شمار می‌رود. همسر این هنرمند، معصومه قاسمی نیز با قدردانی از حضور مردم و هنرمندان، از جامعه خواست قدر هنرمندان کمدی را بیش از گذشته بدانند و گفت نام اکبر عبدی همواره در فرهنگ و هنر ایران زنده خواهد ماند.

هنرمندی فراتر از نقش‌هایش

علیرضا خمسه در سخنان خود، از زاویه‌ای متفاوت به زندگی بازیگران پرداخت و گفت: «هنرمندان به تعداد نقش‌هایی که ایفا می‌کنند زندگی می‌کنند و به همین دلیل، باور مرگ همکاران برای آنان دشوار است.» او اکبر عبدی را هنرمندی چندوجهی دانست که علاوه بر توانایی کم‌نظیر در بازیگری، از روحیه‌ای مهربان، بخشنده و مردم‌دار برخوردار بود و حضورش در عرصه هنر سهم بزرگی در ایجاد شادی برای مردم داشت. مسعود ده‌نمکی نیز با اشاره به محبوبیت گسترده عبدی گفت: «جایگاه او را نمی‌توان با جوایز و افتخارات هنری سنجید، زیرا سرمایه اصلی این بازیگر، محبت مردم بود.» او همچنین از حضورهای بی‌ادعای عبدی در زندان‌ها و برنامه‌های خیریه و نیز علاقه او به ادامه فعالیت هنری، حتی در دوران بیماری، سخن گفت. در ادامه، مسعود جعفری جوزانی از استعداد ذاتی اکبر عبدی یاد کرد و گفت: «او از معدود بازیگرانی بود که بازیگری در ذاتش جریان داشت. عبدی برای هر نقش با دقت و وسواس فراوان آماده می‌شد و همین ویژگی باعث شد بسیاری از شخصیت‌هایی که خلق کرد به بخشی از حافظه جمعی مخاطبان ایرانی تبدیل شوند.»

بدرقه‌ای که پایان نبود

آخرین سخنران مراسم، محمدمهدی عسگرپور بود که با اشاره به محبوبیت مردمی اکبر عبدی گفت: «خانواده این هنرمند تنها صاحبان این داغ نیستند و مردم ایران نیز یکی از مهم‌ترین چهره‌های هنری خود را از دست داده‌اند.»
در پایان، پس از اقامه نماز میت، پیکر زنده‌یاد اکبر عبدی با همراهی خانواده، هنرمندان و مردم به قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) منتقل و به خاک سپرده شد. تشویق ممتد حاضران در لحظه بدرقه، پایانی بر مراسمی بود که بیش از هر چیز، قدردانی از هنرمندی را به تصویر کشید که دهه‌ها با هنر خود، خنده و خاطره را به زندگی ایرانیان هدیه کرد؛ هنرمندی که اگرچه از صحنه زندگی رفت، اما در قاب آثارش و در حافظه چند نسل از مخاطبان، همچنان ماندگار خواهد بود.

مجید مظفری در گفت‌وگو با «ایران»:

اکبر عبدی از هیچ، اثر هنری خلق می‌کرد

گفت‌وگو

نرگس عاشوری
گروه فرهنگی

خبر درگذشت اکبر عبدی برای بسیاری تنها خبر خاموشی یک بازیگر نبود؛ خبر فقدان هنرمندی بود که کمدی را نه به ابتذال، بلکه به خلاقیت، دقت و شناخت بدل کرده بود. مجید مظفری که سال‌ها پیش در مجموعه «جُنگی برای فردا» با او همکاری داشته، در گفت‌وگو با «ایران» از بازیگری یاد می‌کند که به باور او «لوده» نبود، بلکه نابغه‌ای بود که از ساده‌ترین موقعیت‌ها، شخصیت و معنا می‌آفرید.
در صدای مجید مظفری، اندوه فقط از جنس فقدان یک همکار قدیمی نیست؛ رنگی از حسرت هم دارد. حسرت از دست رفتن هنرمندی که به اعتقاد او، جایگاهش بسیار فراتر از آن بود که صرفاً با عنوان یک بازیگر کمدی از او یاد شود. مظفری با اشاره به همکاری خود در مقام کارگردان با اکبر عبدی می‌گوید: «سال‌ها پیش سریالی ساختم به نام «جُنگی برای فردا». فکر می‌کنم مربوط به سال‌های ۵۹ یا ۶۰ بود. آیتم‌های زیادی داشت؛ دقیق به یاد ندارم ۱۳ قسمت بود یا بیشتر. خانم میرجهانگیری هم تهیه‌کننده آن بودند و مجموعه برای شبکه یک ساخته می‌شد. در آن کار، اکبر عبدی بازی می‌کرد، خدابیامرز هادی اسلامی، صدرالدین حجازی، رضا رویگری و... هم بازی می‌کردند. چقدر سخت است برای همه این عزیزان از واژه زنده‌یاد استفاده کنی»
از دل همان همکاری قدیمی، او به مهم‌ترین ویژگی اکبر عبدی می‌رسد؛ استعدادی که به گفته او، روی کاغذ چندان آشکار نبود، اما در اجرا همه‌چیز را دگرگون می‌کرد. مظفری می‌گوید: «آیتم‌هایی که اکبر عبدی بازی می‌کرد، وقتی فقط خوانده می‌شد، شاید چیز خاصی به نظر نمی‌رسید، اما واقعیت این بود که اکبر از آنها همه‌چیز بیرون می‌آورد. برای او فقط یک شخصیت مطرح نبود. تا جایی که به یاد دارم، واقعاً نزدیک به ۳۰ کاراکتر مختلف را اجرا می‌کرد. وقتی متن را می‌خواند و وقتی با هم آن را مرور و درباره‌اش مشورت می‌کردیم، چیزهایی به آن اضافه می‌شد که از خلاقیت او می‌آمد. خلاقیتش بسیار چشمگیر بود و آدم را غافلگیر می‌کرد.»
او بعدتر، برای روشن‌تر کردن تصویری که از عبدی در ذهن دارد، بر همان خصیصه ذاتی دست می‌گذارد؛ بر استعدادی که بیش از آنکه محصول آموزش رسمی باشد، برآمده از هوش و غریزه هنری بود. مظفری می‌افزاید: «او تحصیلات آکادمیک نداشت. البته نمی‌خواهم بگویم کتاب نمی‌خواند یا چیزی نمی‌دانست؛ نه، اصلاً این‌طور نبود. اما آن‌قدر باهوش بود و آن‌قدر ذاتاً هنرمند بود که واقعاً کمتر بازیگر کمدی‌ای می‌توانست کارهایی را که او انجام می‌داد، انجام دهد. او از هیچ، یک اثر درمی‌آورد؛ یک اثر هنری.»
در نگاه مجید مظفری، امتیاز اکبر عبدی فقط در خنداندن خلاصه نمی‌شد؛ ارزش کار او در این بود که خنده را به نتیجه فکر، تمرکز و کار بدل می‌کرد. مظفری توضیح می‌دهد: «خیلی‌ها امروز فقط از خنده حرف می‌زنند؛ از اینکه اکبر ما را می‌خنداند. اما موضوع فقط این نبود. اگر مردم می‌خندیدند، به دلیل تلاشی بود که او برای کارش می‌کرد؛ به این دلیل که کار می‌کرد، فکر می‌کرد و مشورت می‌کرد. او کسی بود که وقتی می‌خواست کاری را انجام دهد، واقعاً درباره‌اش فکر می‌کرد. اکبر آدم لوده‌ای نبود. جلوی دوربین، اکبر کمدین بود؛ کمدینی که ما در تاریخ هنر این مملکت کمتر دیده‌ایم.» او برای توضیح بیشتر، بازی عبدی را در امتداد سنتی از کمدی قرار می‌دهد که بر ساختن شخصیت و درک موقعیت استوار است، نه بر لودگی و سادگی مصرفی.
مظفری می‌گوید: «من به یاد دارم که درباره اصغر تفکری بسیار صحبت می‌شد، درباره پرویز فنی‌زاده هم بسیار صحبت می‌شد. اینها طنزکار می‌کردند، طنز صحنه کار می‌کردند و طنز صحنه کار دشواری است. اینها لودگی نمی‌کردند. کمدین بودند؛ کمدین‌هایی که کارهای فاخر انجام می‌دادند، کارهایی که در آنها روی چالش‌های اجتماعی و شخصیت‌ها کار می‌شد، بدون آنکه قرار باشد به کسی توهین شود.» در همین امتداد است که او از یکی از حساس‌ترین وجوه بازی عبدی یاد می‌کند؛ توانایی در اجرای لهجه‌ها، بی‌آنکه این اجرا به تمسخر، تحقیر یا رنجش بدل شود. مظفری می‌افزاید: «اکبر عبدی لهجه‌های مختلف ایران را بسیار زیبا اجرا می‌کرد، بدون آنکه در این ۵۰ سالی که کار کرد، به قومی یا لهجه‌ای بربخورد. این هنر او بود؛ هنر هنرمندی که کمدی را با نگاهی بسیار درست می‌دید و آن را باورپذیر می‌کرد. آیتم‌هایی که بازی می‌کرد، واقعاً آدم را غافلگیر می‌کردند. به نظر من، اکبر یک کمدین ابدی بود؛ نابغه بود.»
در این بخش از گفت‌وگو، اندوه در صدای مظفری آشکارتر می‌شود؛ اندوهی که فقط به از دست رفتن یک بازیگر مربوط نیست، بلکه به خاموش شدن کیفیتی نادر در هنر نمایش ایران بازمی‌گردد. او می‌گوید: «می‌گویند آفتاب از شرق طلوع می‌کند. اکبر عبدی هم در هنر این مملکت، در هنر طنز این سرزمین، طلوع کرد و متأسفانه غروبش را هم دیدیم. این برای هنر این مملکت بسیار دردناک است که هنر نمایشی و ادبیات نمایشی ما چنین انسانی را از دست بدهد. من به خانواده ادبیات نمایشی ایران تسلیت می‌گویم، به خانواده محترم ایشان، به دختر عزیزشان و به همسر نازنینشان هم تسلیت می‌گویم. خدا رحمتشان کند. گاهی در زمانه اتفاق‌هایی می‌افتد که واقعاً غیرقابل باور و بسیار دردآور است.»
مظفری در ادامه از عادتی جمعی سخن می‌گوید؛ از اینکه گاه بزرگی بعضی آدم‌ها در زمان حضورشان آنچنان که باید دیده نمی‌شود. او می‌گوید: «شاید ما عادت کرده‌ایم که نسبت به چنین آدمی، نگاهی ساده داشته باشیم. وقتی در ایران اتفاقات زیادی رخ می‌دهد و مدام حادثه پشت حادثه می‌آید، آدم همیشه شوکه می‌شود و نمی‌داند چه بگوید و چه کار کند. برای من، این اتفاق بسیار دردآور است. من فکر نمی‌کنم کسی دیگر بتواند به این سادگی جای اکبر عبدی را بگیرد. البته امیدوارم چنین کسانی بیایند، امیدوارم باشند و امیدوارم این اتفاق بیفتد، اما بعضی چیزها را وقتی از دست می‌دهیم، تازه می‌فهمیم با چه چیزی روبه‌رو بوده‌ایم.»

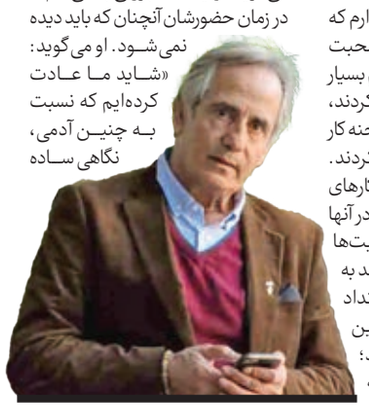

یکی از تلخ‌ترین بخش‌های حرف‌های او، جایی است که از امکان‌های از دست‌رفته سخن می‌گوید؛ از اینکه تجربه زیسته و شهودی اکبر عبدی می‌توانست جدی‌تر دیده، فهمیده و منتقل شود. مظفری می‌افزاید: «اگر دانشکده‌ها، متخصصان و کسانی که بازیگری تدریس می‌کنند، به پشت صحنه می‌آمدند، اکبر را می‌دیدند، کارهایش را می‌دیدند، با او گفت‌وگو می‌کردند و از او می‌پرسیدند که چگونه چیزی را که شاید در ظاهر هیچ نباشد، این‌قدر زیبا اجرا می‌کند و به این نتیجه می‌رسد، مطمئناً می‌شد از حضور او بیشتر استفاده کرد. شاید شاگردانی در این جنس و اندازه پرورش پیدا می‌کردند. اما این اتفاق هیچ‌وقت آن‌گونه که باید، نیفتاد.»
او این حسرت را فقط به اکبر عبدی محدود نمی‌کند و آن را به وضع کلی‌تر هنر نمایشی هم تعمیم می‌دهد. مظفری می‌گوید: «همین حالا هم افراد زیادی هستند که می‌توانند به ادبیات و هنر نمایشی این مملکت کمک کنند، اما کنار نشسته‌اند و هیچ‌کس سراغی از آنها نمی‌گیرد. من برای از دست رفتن چنین انسانی فقط می‌توانم بگویم که بسیار متأسفم؛ بسیار از این اتفاق متأسف شدم.»
در بخش پایانی گفت‌وگو، وقتی بحث به نسبت میان تجربه عملی و آموزش بازیگری می‌رسد، مظفری تفکیکی روشن مطرح می‌کند؛ تفکیکی که در عین سادگی، حرف اصلی او را نیز روشن‌تر می‌سازد. او می‌گوید: «معتقدم یک بازیگر لزوماً نمی‌تواند مدرس بازیگری باشد، اما کسانی که مدرس بازیگری هستند، می‌توانستند با اکبر عبدی و امثال او در ارتباط باشند؛ زحمت‌هایی را که اکبر می‌کشید، مسیری را که طی کرده بود تا به اینجا رسیده بود، ببینند و از آن استفاده کنند و بعد همان‌ها را تدریس کنند. می‌شد از اکبر عبدی آموخت.»
و در پایان، جمله‌ای می‌گوید که بیش از هر چیز، حال‌وهوای این گفت‌وگو را در خود جمع کرده است؛ هم ستایش، هم تأسف و هم نقدی تلخ به حافظه جمعی ما: «مثل همیشه، یک نابغه می‌آید و بی‌سروصدا می‌رود و ما هم متأسفانه پس از رفتن آدم‌ها تازه بیشتر قدرشان را می‌فهمیم.»

سپند امیرسلیمانی در گفت‌وگو با «ایران»:

جلوی دوربین همه دردهایش را فراموش می‌کرد

گفت‌وگو

گروه فرهنگی

اکبر عبدی در بیش از چهار دهه فعالیت هنری، با بازیگرانی از نسل‌های مختلف همبازی شد. یکی از بازیگران سپند امیرسلیمانی است که او را هم در قاب دوربین و هم در زندگی شخصی از نزدیک می‌شناخت. امیرسلیمانی که در آثاری چون «مظفرنامه»، «نان، عشق و موتور ۱۰۰۰» و «اخراجی‌ها» با اکبر عبدی همبازی بوده در گفت‌وگویی از خاطرات همکاری با عبدی و توانایی کم‌نظیر او در ایفای نقش‌های متفاوت و ویژگی‌هایی گفت که به اعتقاد او، این بازیگر را به چهره‌ای تکرارنشدنی در تاریخ سینمای ایران تبدیل کرده است.
سپند امیرسلیمانی در گفت‌وگو با «ایران» درباره مرحوم اکبر عبدی، چهره‌ای که خبر فوتش سینمای ایران را غم‌زده کرده، با اشاره به سابقه طولانی آشنایی خانوادگی با این بازیگر، گفت: «آشنایی ما به سال‌ها قبل برمی‌گردد، اگر اشتباه نکنم من ۵ یا ۶ سالم بود که با آقای عبدی در یک مجموعه که آقای اسماعیل پوررضا می‌ساختند کار کردم، البته آن کار به سرانجام نرسید اما آشنایی ما با استاد عبدی که ما عمو اکبر صدایش می‌زدیم فقط به همکاری‌هایی که داشتیم محدود نمی‌شد چون ما با هم رفت‌وآمد خانوادگی داشتیم. خواهرم کمند هم سال ۵۹ با زنده‌یاد عبدی همکاری کرده بود.»

> نقش‌های او در آثاری مانند «مادر»، «هنرپیشه» یا حتی نقش‌هایی که در قالب یک زن بازی کرده، هر کدام جهان مستقلی دارند

او درباره جایگاه اکبر عبدی در سینمای ایران توضیح داد: «خیلی‌ها بعد از درگذشت هنرمندان از آنها تعریف می‌کنند، اما درباره زنده یاد عبدی واقعاً اغراقی وجود ندارد، او یک ستاره تکرارنشدنی بود. ممکن است هر هنرمندی به هر دلیلی در مقطعی به کارنامه خودش لطمه بزند، اما این موضوع چیزی از توانایی و جایگاه هنری او کم نمی‌کند.»
امیرسلیمانی ادامه داد: «یکی از ویژگی‌های مهم اکبر عبدی، تنوع حیرت‌انگیز نقش‌هایی بود که بازی می‌کرد. بدون اینکه ادعایی درباره سبک بازیگری یا روش خاصی داشته باشد، نقش‌های کاملاً متفاوتی را جان می‌بخشید؛ از فیلم سینمایی «مادر» آقای علی حاتمی گرفته تا شخصیت‌های کمدی، جدی و حتی نقش زن. کافی است فیلم‌های مختلف او را کنار هم بگذارید تا ببینید با چه گستره‌ای از شخصیت‌ها روبه‌رو هستید.»
او با اشاره به رابطه نزدیک خانوادگی‌شان توضیح داد: «ارتباط ما فقط همکاری نبود، خانواده‌هایمان هم با هم صمیمی بودند و پدرم نیز رابطه نزدیکی با ایشان داشت و بعد از شنیدن خبر فوت ایشان دیدم که پدرم گریه می‌کند. با این حال، من خودم را در جایگاهی نمی‌بینم که بخواهم درباره شخصیت هنری اکبر عبدی قضاوت کنم چون بعضی آدم‌ها آن‌قدر بزرگ هستند که هر کسی نباید درباره‌شان نظر بدهد و اکبر عبدی هم از این دست افراد است.»
این بازیگر افزود: «همان‌طور که هر کسی نمی‌تواند درباره علی دایی یا محمدرضا شجریان یا بزرگان دیگری از هنر ایران صحبت کارشناسی کند، درباره اکبر عبدی هم باید کسانی حرف بزنند که سال‌ها کنار او کار کرده‌اند و شناخت عمیقی از شیوه بازیگری‌اش دارند. من فقط می‌توانم از تجربه همکاری و خاطراتم بگویم.»
امیرسلیمانی در ادامه با روایت یکی از خاطراتش از پشت صحنه فیلم سینمایی «اخراجی‌ها» گفت: «یادم هست یک روز سر فیلمبرداری حال جسمی زنده‌یاد عبدی اصلاً خوب نبود، اما به محض اینکه جلوی دوربین قرار می‌گرفت، انگار تمام درد و بیماری‌اش از بین می‌رفت و با بهترین کیفیت بازی می‌کرد. همین که دوربین از اورد می‌شد، دوباره از شدت خستگی و بیماری خم می‌شد، اما با شروع برداشت بعدی دوباره با همان انرژی جلوی دوربین حاضر می‌شد، این اندازه از احساس مسئولیت و غرق شدن در کار واقعاً کم‌نظیر بود.»
او همچنین اضافه کرد: «این اتفاق برای بسیاری از بازیگران بزرگ می‌افتد که هنگام اجرا کاملاً در نقش غرق یا حل می‌شوند، اما اکبر عبدی یکی از معدود کسانی بود که این ویژگی را به شکل عجیبی داشت. من در سه، چهار پروژه مختلف با او کار کردم و هربار با شخصیتی کاملاً متفاوت روبه‌رو شدم، بدون اینکه احساس کنید برای متفاوت بودن به خودش فشار آورده است.»
امیرسلیمانی ادامه داد: «اگر نقش‌های او را در آثاری مانند «مادر»، «هنرپیشه» یا حتی نقش‌هایی که در قالب یک زن بازی کرده کنار هم بگذارید، متوجه می‌شوید هر کدام جهان مستقلی دارند. بازی در نقش زن با آن میمیک صورت و گریم خاص، صرفاً یک تغییر ظاهر نبود، او واقعاً شخصیت را باورپذیر می‌کرد. حتی اگر به جای او یک بازیگر زن در آن نقش‌ها قرار می‌دادید، شاید آن حس دوست‌داشتنی و باورپذیر شکل نمی‌گرفت.»
او در پایان، در توصیف جایگاه حرفه‌ای اکبر عبدی، گفت: «سال‌هاست درباره او یک جمله را تکرار می‌کنم، قبلاً می‌گفتم اکبر عبدی بازیگری است که هر ۴۰۰ سال یک بار شبیهش به دنیا می‌آید و امروز می‌گویم او بازیگری بود که هر ۴۰۰ سال یک بار شبیهش به دنیا می‌آید. امیدوارم خدا رحمتش کند و حتماً هم همینطور است، چون مگر می‌شود بازیگری که سال‌ها خنده بر لب مردم آورده از رحمت خدا به دور باشد.»